



۲۰۱۹/۰۷/۱۵



س.ح. روغ

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟  
گفتار بیست و هفتم

## «فضای مثبت!؟»

جناب دکتور خلیل‌زاد گفت مذاکرات دوحه در «فضای مثبت» پایان یافت؛ و افغانان به «نقاط مشترک» رسیدند؛ و جناب خلیل‌زاد در آستان اجلاس سه جانبه میان امریکا و چین و روسیه، گفت که «تعدادی شریک های سیاسی بیشتری» وارد این اجلاس ساخته می شوند؛ و برای نماینده پاکستان هم در این اجلاس چوکی گذاشته شد؛ ضرورتی به ظاهرداری و مقدمه چینی نیست؛ کاملاً روشن است که، در اجلاس چینی، پاکستان بالای سرنوشت افغانستان تحمیل می شود؛ در این اجلاس چارچانبه گفته شد که آتش بس فوری نافذ شود، تا مذاکرات صلح شروع شود؛ پیش از اعلان سعادتبخش آتش بس، طالبان اطفال مکتب را کشتار کردند؛ و گفتند این «خشونت» نیست، این جهاد برای آزادی وطن ما است!!

و پس از این اعلان سعادتبخش، طالبان نادر شاه صاحب زاده خبرنگار جوان رادیو صدای گردیز را مطابق به قوانین لدنی «مدنی» خود شان سلاخی کردند: چشمان او را کشیدند؛ زبان وی را بریدند؛ و بعد سر وی را برقصانیدند!!

گفته شد که افغانان در مذاکرات دوحه به «نقاط مشترک» دست یافتند؛ این نقاط مشترک کدام ها هستند؟ طالبان در قطعنامه دوحه گفتند که «خواهان نظام اسلامی» هستند؛ اگر منظور از این «نظام اسلامی»، همانست که در قانون اساسی ما هم تصریح شده است، پس مسأله حل شده است؛ اگر طالبان غیر از این نظام اسلامی، کدام نظام اسلامی «دیگر» می خواهند، پس باید واضح گفته شود که در مقام مقایسه، این «نظام اسلامی دیگر» یک مفهوم بسیار مبهم تر از «امارت اسلامی» است؛ «امارت اسلامی» همان بود که طالبان یکبار در افغانستان آوردند؛ اما درباره «نظام اسلامی» سال هاست که بحث شده است و بیشتر ابهام و تردید بوجود آمده است؛ چل سال پیش هم کسی ندانست که این چیست؛ حمیدعنایت در کتاب «اندیشه سیاسی در اسلام معاصر» نوشت:

«چیزی به عنوان نظام حقوقی یک پارچه اسلام وجود ندارد... عربستان سعودی، لیبی، پاکستان و جمهوری اسلامی ایران به یک اندازه انتظار دارند که حکومت اسلامی شمرده شوند؛ ولی این انتظار، یا ادعا، منتج به درپیش گرفتن نظامی همانند... نه شده است... در هیچ یک از این نمونه ها رابطه دو جانبه مستقیمی بین تعهد به اسلام و ماهیت رژیم بدان سان که در نظام حقوقی آن مجسم شده، نمی یابیم...» / تهران ۱۳۶۴ / صص ۱۲۴ و ۱۲۵ /

بله خوشالی را نیویارک تایمز خبر داد که طالبان «قانون اساسی» خود را برای افغانستان آماده ساخته اند! اما طالبان را به قانون اساسی چی عرض؟

اول حکومت مبتنی بر قانون اساسی، بمعنای حکومت مشروطه است؛ اما از صد سال پیش که در افغانستان نخستین قانون اساسی بوجود آمد، سخن همه نیرو های ضد مشروطه، بمانند طالبان، این بوده است که «در اسلام قانون اساسی نیست!!»

و دوم قانون اساسی خود کدام سامان بازی نیست که هر گروه بیاید و برای خود یک قانون اساسی بسازد؛ قانون اساسی سند اساسی برای یک اجماع ملی است؛ همه نمایندگان یک ملت می نشینند و یک وثیقه ملی جور میکنند و در آن اراده جمعی خود را برای یک آینده مشترک جمع بندی می کنند؛ ما چنین قانون اساسی داریم؛ کسی اگر میخواهد در این قانون چیزی را تغییر بدهد، مطابق به مقررات پیشبینی شده در همین قانون اساسی کنونی، برای تعدیل آن اقدام کند؛

بعد طالبان در قطعنامه گفته اند که حفظ حقوق زنان بر اساس ارزش های اسلامی!! اما تا کنون در هیچ کجایی یک نظر روشن وجود ندارد که این ارزش ها چی هستند؟ مردم ما، و خاصاً زنان افغانستان تجربه گروه های امر بالمعروف را از یاد نبرده اند که به نام همین ارزش های اسلامی، بروی سرک ها چرک پاش می داند!

و بعد در قطعنامه ای که طالبان به مردم افغانستان «پیش لمی» روان کرده بودند، هیچ سخنی از آزادی مطبوعات؛ و آزادی بیان نیست؛ از انتخابات نیست؛ از دموکراسی نیست؛ از هیچ مسأله مدنی و سیاسی نیست، که تحت عنوان صلح، یک حرکت نو اجتماعی را وعده بدهد؛

همه این چیزها بیکطرف، اصلاً معلوم نیست که طالبان می آیند تا در جریانات سیاسی وطن شریک شوند؛ و یا طالبان «پوز» حاکمان جدید افغانستان را می گیرند؟ کی به طالبان چنین تلقین کرده است؟

کرزی گفت: «ما حکومت را به طالبان نمی سپاریم! این یک توافق با طالبان خواهد بود نه تسلیمی به آنان... باید طالبان دوباره وارد سیاست افغانستان با تمام افغان ها شوند...»

مسأله این نیست که کسی به گپ جناب کرزی اعتنا می کند و یا نمی کند؛ مسأله این است که صلح عبارت از کدام یک قول و یا کدام یک وعده انفرادی نیست؛ حتی اگر کدام طالب هم بیاید و کدام وعده بدهد!

واشنگتن پست نوشت: «از سخنان طالبان در دوحه طوری معلوم می شود که آن ها هیچ تغییر نکرده اند»؛ و روزنامه ایندپیندنت نوشت: «سؤال های جدی در مورد صلح وجود دارند که هنوز به برخی از آنها پاسخ داده نشده است... بر سر آزادی و عدالت چه خواهد آمد؟...»

پس با «بی حال و بی احوال» به کدام «نقاط مشترک» دست یافته شده است!؟؟

اظهارات ذوات محترم خلیل زاد و جان بس کجا ماند که متواتر فرمودند مقصد شان حفظ دستاوردهای ۱۸ ساله است!؟؟ در این میان یک پتی نو برآمد:

وقتی مذاکرات دوحه آغاز شد، عنوان این بود که امریکا برای ختم جنگ و آوردن صلح در افغانستان، با طالبان گپ می زند؛ پسانتر جناب داکتر خلیل زاد گفت که طالبان از صلح در مناطق خود تعهد می کنند، نه در سرتاسر افغانستان؛ چون گروه های دیگر مثل داعش هم هستند؛ اما دو روز پیش جناب داکتر خلیل زاد در مصاحبه با الجزیره

گفت که طالبان خو کدام نیروی یک پارچه نیستند و معلوم نیست که صلح با این بخش طالبان را گروه های دیگر طالبان قبول می کنند و یا نی!

پس از این اظهارات جناب خلیزاد، یکی پشت دیگر گروه های طالبان تَتَق کردند که نی بابا ما خو سوله نمی کنیم! خی «پیشرفت های قابل ملاحظه» در کدام شق بدست آمده است؟

•

مردم ما در این روزها در میان سه بیان، فال می زنند:

غنی می گوید:

« این زمان، زمان صلح است. فرصت کنونی برای دستیابی به صلح در هژده سال گذشته بی پیشینه بوده و اگر از این فرصت استفاده نه شود، مسوولیت آن بزرگ خواهد بود...»

غنی می گوید:

« در قسمت انتخابات هیچ نوع شک و شبهه وجود نداشته باشد، این وظیفه ملی ما است، این وجبیه قانونی ما و تعهد اخلاقی ما است... هر نوع کمک... برای اجرای انتخابات شفاف و همه شمول و در زمان تعیین شده... صلح و انتخابات متمم یکدیگر هستند، بدیل یکدیگر نیستند؛

برای صلح باید اراده محکم وجود داشته باشد تا به آن برسیم و در برابر هر مانع با قاطعیت باید برخورد شود. نقشه راه صلح را لویه جرگه تاریخی افغانستان تعیین کرده و تمام اقداماتی را که حکومت انجام داده... از خاطر این بود که ما بتوانیم یک اتحاد بزرگتر از جنگ را برای صلح ایجاد کنیم. این اتحاد در راه ایجاد شدن است افغانستان امروز... یک افغانستان محاط به خشکه نیست، یک افغانستانی است که در حال تبدیل به چهار راه منطقه است و اگر با وحدت، اتحاد و اتفاق کار کنیم، کلید انکشاف منطقه در دست نسل های آینده افغانستان خواهد بود. از هرنگاه آماده شده ایم که یک نقش کلیدی را بازی کنیم و وقتی که ما با همسایه های خود نه تنها که آشتی می خواهیم و جنگ نمی خواهیم، بلکه همکاری اساسی می خواهیم و امید است که طرح های را که دولت افغانستان ارائه کرده، نشان دهنده این باشد که ما نه تنها برای رفاه خود فکر می کنیم، بل برای رفاه منطقه فکر می کنیم و یک راه اساسی را در پیش رو داریم...»

جناب خلیزاد می گوید: «صلح الوویت دارد... اگر پیش از انتخابات توافق درباره برنامه سیاسی به دست آید، این توافق حاکم خواهد بود»

جناب جان بس می گوید: «حل بحران افغانستان به عهده امریکا نیست!»

همه شواهد بیان می کنند که جریانات طوری پیش برده می شوند تا غنی منزوی تر ساخته شود؛ زیر هدایت این جریانات اینک در «وحدت ملی حاکم» هم شکست انداخته شد و «ائتلاف» نو سیاسی شکل داده شد؛

غنی به کجا تکیه می کند؟ غنی به افکار عامه مردم مراجعه می کند؛ غنی مردم را مخاطب قرار می دهد و از جهش بزرگی بشارت می دهد که برای افغانستان در نظر دارد؛ و غنی مردم افغانستان را درباره آن جهمی اشارت می دهد که قرار گذاشته شده که بروی مردم افغانستان گشوده شود؛

غنی می گوید که مذاکرات با طالبان پس از اول سپتامبر صورت می گیرد؛ اما همه گفت و گفتار سیاسی عطف است به این که نی نی! مذاکرات باید حتماً پیش از اول سپتامبر صورت بگیرد! و معنای این اصرار و ابرام این است که

علی رغم همه تخریب و جنایت و دهشت، در پاکستان و ایران از این وحشت بخود می لرزند که غنی می تواند انتخابات را ببرد!

چرا؟

چون مردم بیدار شده اند!

اما آیا این کافی است؟

روشنفکران؛ نیرو های مدنی؛ زنان و جوانان؛ وطنپرستان افغان؛ در این لحظات بسیار دشوار و سرنوشتی وطن کجا هستند؟

بسیار نی! فقط دوماه بعد به یادتان می دهیم که از دست رفتن چیزهایی به شما هشدار داده بودیم که با اندک قربانی می شد که از دست نروند!

جاوید کوهستانی درست نوشت:

آنانی که نمی آموزند، بار ها مورد نفرین تاریخ قرار می گیرند!

اما جاوید کوهستانی، اول تر خودش از این سخنان بجای خود، نتایج جای دهنده بکشد!

بلی زمان اندک است!

بلی امکانات ما اندک تر هستند!

اما روزنی است که می توان چون سوزنی از آن گذشت! پس زن و مرد، دست بدست هم، از ناکردن به شنا کردن بگذریم!

بلی خطر غرق شدن است! اما پیش از این خطر هم غرق شده ایم!



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (۲۷)

Rogh\_h\_۴۱\_ba\_aozaaye\_watan\_tshiguna\_bengarem\_۲۷.pdf